خبر

با همکاری تحریریه‌ی هفته‌نامه‌ی استقامت؛

ضمیمه‌ی «رواق» ویژه‌ی جشنواره ملی شعر رضوی منتشر شد

گروه فرهنگ‌وهنر- ضمیمه‌ی رایگان نشریه‌ی «رواق» در ۱۶ صفحه با این شماره‌ی استقامت در حالی منتشرمی‌شود که هفته‌ی گذشته مراسم اختتامیه‌ی این جشنواره در تالار وحدت دانشگاه شهید باهنر به صورت آنلاین برگزار شد.

در این ویژه‌نامه گزارش این مراسم و اسامی برگزیده‌های جشنواره را به همراه منتخبی ازاشعار و مصاحبه با داوران جشنواره و برخی از افراد موثر و فعال در این رویداد بزرگ را می‌خوانید.

در گزارش دبیرخانه‌ی دائمی جشنواره از قول سعید نجفی‌زاده مسئول این دبیرخانه می‌خوانیم: «هر سال بر غنای محتوا و بهبود شکل اجرایی جشنواره افزوده‌ایم». نجفی‌زاده می‌گوید: «ایده‌ی برگزاری جشنواره شعر رضوی که اینک ابعاد ملی و بین‌المللی یافته و مثل شجره طیبه‌ای بر جامعه فرهنگی و هنری کشور سایه افکنده در سال ۱۳۷۳ دراستان کرمان و در زمان مدیریت وقت آقای سیدجواد جعفری مطرح شد». وی در ادامه می‌افزاید: این جشنواره برآمده از عشق و انگیزه‌ی عده‌ی زیادی از علاقمندان، ادیبان، شاعران، پژوهشگران و دوستداران اهل‌بیت عصمت وطهارت به منظور ترویج واشاعه‌ی فرهنگ و سیره‌ی زندگی امام هشتم(ع) که اینک به سال بیست‌و ششم خود رسیده و دبیرخانه‌ی دائمی آن در اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان همواره در تمام این سال‌ها بی‌وقفه و با تمام توان و انگیزه‌ی لازم فعال بوده و هرسال هم بر غنای محتوی و شکل اجرایی آن افزوده شده است. نجفی با بیان این‌که هم‌اکنون به یک مجموعه‌ی مجرب تبدیل شده‌ایم تصریح کرد: ارکان و اجزای این جشنواره تعریف شده و برنامه‌های آن، همه از پیش تعیین شده و حالت آزمون و خطا را پشت سر گذاشته است». مسئول دبیرخانه دائمی جشنواره می‌افزاید: این جشنواره همچنین دارای منشور خاص، دستورالعمل و تقویم اجرایی مشخص و سایت رسمی است و کلیات برگزاری سالانه‌ی آن با محوریت اداره کل فرهنگ وارشاد اسلامی به تصویب شورای فرهنگ عمومی استان می‌رسد ـ متن کامل گزارش دبیرخانه و سایر مطالب را در این ویژه‌نامه بخوانید

سبزه‌صادقی شاعر و منتقد ادبی:

محتوای جشنواره شعر رضوی گسترده‌تر شود

گروه فرهنگ‌وهنر - حسین سبزه‌صادقی، شاعر و منتقد ادبی با بیان این‌که جشنواره‌ی ملی شعر رضوی در این ربع قرن که برگزار شده، راه خود را رفته و تاثیر خود را گذاشته است، پیشنهاد داد محتوای جشنواره مقداری رهاتر و گسترده‌تر شود. وی گفت: «واقعیت این است که ذات هنر مسابقه‌پذیر نیست و از آن‌جایی که با عواطف و اندیشه‌ها و ذهنیات هنرمند و خالق آثار هنری سروکار دارد ارزش‌گذاری و به مسابقه گذاشتن آن ممکن نیست ولی بشر مجبور است برای این‌که معیاری برای انتخاب آثار داشته باشد به جشنواره‌ها روی بیاورد».

سبزه‌صادقی ادامه داد: «جشنواره‌ی شعر رضوی هم که از کرمان شروع شد و به مرور به جشنواره‌ی کشوری و ملی تبدیل شد، اکنون همه‌گیر شده است و راه خود را رفته و تاثیر خود را گذاشته است».

وی افزود: «پیشنهادی دارم این است که جشنواره‌ی شعر رضوی را صرفا به فرهنگ رضوی اختصاص ندهیم، این بخش را داشته باشد ولی حوزه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی و حتی ادبیات فولکلوریک نیز دیده شود اما عنوان رضوی را داشته باشد».

شاعر و منتقد ادبی با تاکید بر این‌که محتوای جشنواره مقداری رهاتر شود، توضیح داد: «درست است که عنوان این جشنواره، مقدس و دوست‌داشتنی است اما فرهنگ رضوی به‌عنوان یکی از زیرشاخه‌های فرهنگ شیعی، همه‌ی جنبه‌های زندگی مردم را پوشش داده و بهتر است محدود به شخصیت امام رضا (ع) نباشد و کل موضوعاتی که محتوای شعری تولید می‌شود زیر عنوان جشنواره قرار گیرد و از لحاظ محتوایی بازسازی شود چراکه همه‌ی زندگی ما ایرانی‌ها در دل فرهنگ رضوی است».

سبزه‌صادقی همچنین با اشاره به برگزاری جشنواره به صورت مجازی به‌دلیل شیوع کرونا اظهار کرد: «گاهی، برخی تهدیدها خودبه‌خود به فرصت تبدیل می‌شوند. تهدید کرونا باعث شد شکل جشنواره تغییر کند. همچنین، حضور دکتر حسینخانی از شاعران خوب این حوزه که چندین بار برگزیده‌ی جشنواره هم شده بودند به‌عنوان دبیر تخصصی و اضافه شدن بخش دانشجویی برای اولین‌بار به این جشنواره، و نیز شکل برگزاری، ویژگی‌ها و خلاقیت‌هایی بوده که در این دوره شاهد آن بودیم و شروع و رویش دوباره‌ای را احتمالا با خود به همراه خواهد داشت».

گنجی شاعر و منتقد ادبی:

جشنوارهٔ ملی شعر رضوی یک فرصت بلامنازع ادبی است

گروه فرهنگ‌وهنر - مهدی گنجی، شاعر و منتقد ادبی با بیان این‌که بزرگان شعر و ادبیات، جشنواره‌ی رضوی را دومین رویداد ملی ایران بعد از جشنواره‌ی ملی شعر فجر می‌دانند، گفت: «جشنواره‌ی ملی شعر رضوی، یکی از فرصت‌های بزرگ برای شاعران، به‌ویژه شاعران ولایی است و بسیاری از شاعرانی که اکنون شناخته‌شده و معروف هستند از چنین جشنواره و یا جشنواره‌های مشابه پا گرفته‌اند».

گنجی تصریح کرد: «جشنواره‌ی شعر رضوی یک فرصت بلامنازع ادبی بوده و هست و امیدواریم همچنان ادامه یابد».

وی سپس، با بیان این‌که جشنواره‌ی ملی شعر رضوی با تلاش‌های بسیاری، ربع قرن از حیات خود را پشت سر گذاشته است، گفت: «در همه‌ی ادوار، سعی برگزارکنندگان این بوده که با شکوه و عظمت زیادی برنامه‌های آن اجرا شود».

گنجی افزود: «این جشنواره، ابتدا شهرستانی و سپس استانی و بعد ملی شد و برخی از بنیان‌گذاران جشنواره اکنون در قید حیات نیستند». او با بیان این‌که جشنواره‌ی شعر رضوی مثل بسیاری دیگر از جشنواره‌ها، دو بخش مجزای علمی و اجرایی دارد که دبیر اجرایی و دبیر تخصصی آن را مدیریت می‌کنند، گفت: «ولی در جشنواره‌ی ملی شعر رضوی مدل جدیدی ارائه داده‌ایم. در دوره‌های ابتدایی آن، اشعار، بعد از جمع‌آوری از کل کشور، ابتدا به صورت کاغذی و فاکس به دبیرخانه می‌آمد. بعد جشنواره سایتی ایجاد کرد و سپس، اشعار را که دریافت می‌کرد، به‌صورت کدگذاری و بدون اسم به هیات داوری ارسال می‌شد». وی اضافه کرد: «اما مهم‌ترین نکته درباره‌ی جشنواره‌ی شعر رضوی این است که ابتدا در کرمان شروع شد، و بعد با سابقه و سبقه‌ای که داشت باعث ایجاد شاخه‌ای در بنیاد بین‌المللی امام رضا(ع) شد و از دوره‌ای به بعد، این بنیاد به جشنواره ورود کرد و امور مستحکم‌تر شد».

بررسی وضعیت الگوی مصارف گاز دستگاه های اجرایی

گروه اطلاع‌رسانی - مدیرعامل شرکت گاز استان کرمان از اجرای طرح ضربتی بازرسی از ادارات دولتی با هدف به حداقل رساندن مصارف ادارات دولتی و مدیریت مصرف گاز در استان خبر داد.

به گزارش روابط عمومی گاز استان کرمان، در راستای اجرای بخشنامه صادره آقای اسحاق جهانگیری؛ معاون اول رئیس جمهور به همه سازمان‌ها، موسسات، شرکت‌های دولتی، نهادها و نیروهای مسلح، ابلاغ شد تا همکاری هرچه بیشتر خود را در راستای پایداری جریان گاز و حفظ تعادل در تولید، مصرف و پیشگیری از افت فشار یا قطعی احتمالی گاز در استان به کار ببندند. در همین خصوص رعایت صرفه‌جویی و کاهش مصرف گاز توسط ساختمان ادارات دولتی، طی یک فراخوان کلی و با حداقل زمان‌بندی، طرح ضربتی بازرسی از ادارات، برنامه ریزی و در دستور کار ادارات گازرسانی قرار گرفت.

مهندس فلاح ضمن اشاره به خبر فوق اظهار داشت: در راستای همین امر، ساختمان‌های ادارات دولتی با ظرفیت مصرف بالای ۶۵ متر مکعب بر ساعت که در سال گذشته الگوی مصرف را رعایت نکرده بودند، توسط تیم‌های ارزیابی بر اساس چک لیست‌های مربوطه مورد بازرسی و نظارت قرار خواهند گرفت.

وی افزود: محدودیت کرونایی و حضور حداکثر ۵۰ درصدی کارکنان در محل کار، فرصت مناسبی برای کاهش مصرف گاز طبیعی در ادارات و موسسات دولتی است و این مهم کمک شایانی به استمرار مصرف این انرژی در بخش صنعت خواهد کرد. مهندس فلاح هدف از این طرح را، کاهش مصرف از طریق به حداقل رساندن مصارف ادارات دولتی و مدیریت مصرف در فصل سرد اعلام کرد

به بهانهٔ انتشار کتاب «شاید پیش از اذان صبح»؛

احمد ... برای ... حاج‌قاسم ...بنویس!

گروه فرهنگ‌وهنر - کتاب نوشتن درباره‌ی شهید حاج قاسم سلیمانی که هواداران زیادی دارد، هم خیلی آسان است و هم بسیار دشوار. به این بستگی دارد که چه مخاطبی برای خود برگزینیم. از دی‌ماه گذشته که حاج‌قاسم به شهادت رسیده افراد زیادی به این توان‌آزمایی ورود کرده‌اند. چون هنوز این آثار در معرض داوری قرار نگرفته‌اند، ما هم نمی‌توانیم آن‌ها را قضاوت کنیم. اما با یک حساب سرانگشتی برای این‌که بفهمیم یک کتاب خوب چه عیاری دارد، یا کیفیت آن در چه حدودی باید باشد، بهترین کار این است که ابتدا آثار قبلی نویسنده را بشناسیم، علاوه بر آن باید ببینیم محتوای این کتاب تا چه اندازه با تجربه‌ی زیسته‌ی نویسنده‌ی کتاب انطباق و همخوانی دارد.

از سال‌ها پیش مشغول نوشتن این کتاب بودم

برهمین اساس، در مورد کتاب «شاید پیش از اذان صبح»، نوشته‌ی احمد یوسف‌زاده که به تازگی منتشر شده، و هنوز آن را نخوانده‌ام فکر می‌کنم کتاب خوب و جذابی است. این کتاب که ترکیبی از خاطرات یوسف‌زاده و دل‌نوشته‌های او در مورد حاج‌قاسم است، قرار است هفته‌ی آینده در مراسم سالگرد این سردار شهید رونمایی شود. من آقای یوسف‌زاده را از طریق کتاب «آن ۲۳ نفر»، «اردوگاه اطفال» و سایر نوشته‌هایش در مطبوعات و فضای مجازی به خوبی می‌شناسم. می‌دانم که چقدر زیبا و با احساس می‌نویسد، و در عین‌حال چقدر در نوشته‌هایش به زندگی شخصی و تجربه‌هایش پای‌بندی صادقانه‌ای دارد.

چند شب پیش که مراسم جشنواره‌ی ملی شعر رضوی در تالار وحدت دانشگاه شهید باهنر برپا بود، وقتی در حاشیه‌ی مراسم از او درباره‌ی محتوای کتاب «شاید پیش از اذان صبح» سوال کردم، گفت: «همان‌طوری که می‌دانی من از سال‌ها پیش برای حاج‌قاسم مطلب می‌نوشتم. معمولا هم مکنونات قلبی‌ام را به صورت دل‌نوشته برای او نوشته‌ام. این نوع نوشته‌ها درباره‌ی او از زمانی که جنگ سوریه و موضوع مدافعین حرم پیش آمد، بیش از پیش ذهنم را به خود مشغول کرد؛ منتها هیچ‌وقت به سرم نزد که این مطالب را به دست حاج‌قاسم هم برسانم».

این آزاده‌ی سرافراز دوران دفاع مقدس افزود: «وقتی کتاب «آن ۲۳ نفر» منتشر شد، و مقام معظم رهبری بر این کتاب تقریظ نوشتند، طبیعتا حاج‌قاسم هم این کتاب را دنبال کرد و خواند. پس از خواندن کتاب برایم نامه‌ای سرشار از لطف و محبت

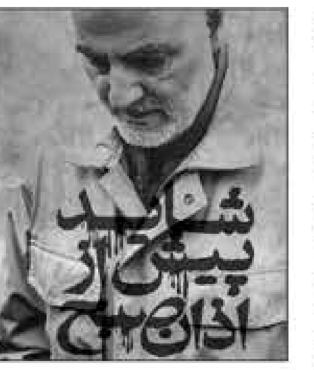

و عاطفه نوشت، و به خاطر دارم که نامه را با احمدعزیزم شروع کرده بودند. همچنین در این نامه هم من و هم بقیه‌ی بچه‌ها را مورد لطف قرار داده بودند».

ترکیبی از خاطرات و دل‌نوشته‌های من با حاج‌قاسم

یوسف‌زاده با بیان این‌که کتاب من با عنوان «شاید پیش از اذان صبح» در واقع پاسخی به محبت سردار شهید سلیمانی است، تاکید کرد: «این مجموعه ترکیبی از خاطرات و دل‌نوشته‌ها من است که قبل از شهادت ایشان نوشتم و پس از شهادت او نیز، این نوشته‌ها را ادامه دادم».

او با اشاره به این‌که این کتاب را انتشارات سوره‌ی مهر منتشرکرده است، گفت: «ظرف چند روز آینده، در سالگرد شهادت حاج‌قاسم، با توجه به وضعیت کرونایی جامعه، این کتاب را به صورت مجازی در دانشگاه شهید باهنر رونمایی می‌کنیم».

این فعال فرهنگی با اشاره به این‌که مخاطب اصلی دل‌نوشته‌ها و خاطراتم شخص سردار سلیمانی است، تصریح کرد: «وقتی این مطالب را می‌نوشتم اصلا به این فکر نمی‌کردم که قرار است حتما به صورت کتاب منتشر بشوند اما به این فکر می‌کردم که ممکن است روزی این دل‌نوشته‌ها تبدیل به کتاب بشوند، حالا چه من باشم یا نباشم».

به نوشته‌ی مهر، یوسف‌زاده در مطلب آغازین کتاب نوشته است: «سال‌هایی که می‌جنگید، دعای خیر و نگاه ترسانم دنبالش بود که جانش از بلا دور باشد. خودش اما، نگاهش جایی دیگر بود و سرانجام خداوند او را که می‌جنگید، بر ما که نشسته بودیم، با پاداش شهادت برتری داد. در دل‌نوشته‌هایم برای حاج‌قاسم، ترجیح دادم مستقیم با خودش حرف بزنم چون گمان نمی‌کنم مُرده باشد».

نویسنده‌ی حوزه‌ی ادبیات دفاع مقدس افزود: «این کتاب را به دو مرد تقدیم می‌کنم؛ به شهید حسین پورجعفری که شانه‌به‌شانه‌ی حاج‌قاسم تا نفس آخر رفت، و به یار سفرکرده‌ام زنده‌یاد محمد صالحی یکی از آن بیست‌وسه نفر که وقتی خبر انفجار در فرودگاه بغداد را شنید، بیمار بود و به‌سختی می‌توانست حرف بزند، اما همه‌ی سعی خودش را کرد که به من بگوید: «احمد... برای... حاج قاسم... بنویس »!

مرگ سرخ و طوفانی و جریان‌ساز حاج‌قاسم

همچنین به نقل از خبرگزاری دفاع مقدس، یوسف‌زاده در یکی از دل‌نوشته‌هایش به احتمال چاپ این دل‌نوشته‌ها در قالب یک کتاب مستقل اشاره‌ی جالب و گیرایی دارد: «سلام حاجی. تصمیم دارم این نوشته‌ها را یک روز در قالب کتابی چاپ کنم، شاید هم بماند برای بعد از مرگم که لابد یک مرگ لوس و بی‌مزه خواهد بود، نه مثل مرگ شما سرخ و طوفانی و جریان‌ساز. بالاخره فرق است میان یک‌لاقبایی مثل من که در خانه

نشسته‌ام و مجاهدی مثل تو که چهل سال پوتین از پا درنیاورده‌ای. الان هشت ماه از آن نیمه‌شب غریب و آن صبح وحشتناک که انگشت و انگشترت صفحات مجازی را درنوردید، می‌گذرد. قبل از شنیدن آن خبر، فقط یک بار غمی به این کمرشکنی و مردافکنی را تجربه کرده بودم. توی آسایشگاه ۳ اردوگاه موصل نشسته بودیم داشتیم با دوستم علی هادی قرآن حفظ می‌کردیم. فرشید فتاحی اسیر خوزستانی بغض‌کرده و اشک‌بار آمد داخل و خبر فوت امام را که در روزنامه‌ی عراقی خوانده بود، آورد...».

در بخش دیگری از این کتاب می‌خوانیم: «یکی از اخراجی‌ها سلمان زادخوش بود؛ وقتی آب از سرش گذشته بود، دیگر ترس و ملاحظه‌کاری هم در وجودش دیده نمی‌شد. صدایش را روی تو بلند کرد و گفت: «آقای سلیمانی من می‌خوام بدونم شما اصلا چه کاره هستین که نمی‌گذارین ما بریم برا دین و کشورمون بجنگیم؟ ما که ایقد آموزش دیدیم، ایقد زحمت کشیدیم، به خدا نامردیه که نگذارین مایم بریم.» سلمان اشک می‌ریخت و دعوا می‌کرد.

بالاخره به سخن درآمدی و گفتی: «بچه‌های کم سن و سال وقتی اسیر میشن، عراقیا مجبورشون میکنن بگن ما را به زور فرستادن جنگ! سلمان با همان شجاعت قبلی گفت: «اتفاقا بچه‌ها از بزرگترا شجاع‌ترن. تازه، بعضی از اونا که ادعاشونم میشه تو عملیات کپ می‌کنن. ها بله!» تو دیگر فرصت نداشتی با سلمان یکی به دو کنی. رفتی و طفلی سلمان با چشمان اشکبار کنار زمین چمن حیران و سرگردان ماند و تو هیچ‌وقت متوجه نشدی که سلمان چطور خودش را به ایستگاه قطار رساند و زیر صندلی قطار قایم شد و با ما به اهواز رسید.

حاجی ببخش که آن روز حرفت را گوش ندادیم. البته چوبش را هم خوردیم. همانطور که پیش‌بینی کرده بودی به اسارت درآمدیم و چقدر شکنجه شدیم، ولی نگفتیم به زور ما را فرستاده‌اند جبهه».

نامهٔ شهید سلیمانی به یوسف‌زاده

حالا که از دل‌نوشته‌های یوسف‌زاده چند مورد را به عنوان نمونه ذکر کردم، خوب است به نامه‌ی شهید حاج‌قاسم که پس از خواندن کتاب «آن ۲۳ نفر» در نامه‌ای که بی‌شباهت به دل‌نوشته‌های یوسف‌زاده نیست، اشاره‌ای داشته باشم. او می‌نویسد: «احمد عزیزم: تقریظ و تحسین رهبر عزیزمان مرا تشویق به خواندن کتابت کرد و پس از قرائت آن به مقامت غبطه خوردم و افسوس، که در کارنامه‌ام یک شب از آن شب‌ها و یک روز از آن روزهای گرفتار در قفس را ندارم. شماها عارفان حقیقی و عابدان به عبودیت رسیده‌ای هستید که به عرش رسیدید، ای‌کاش در همان بالا بمانید. چه افتخارآمیز است ربانیون بر منبر نشسته، تربیت‌یافتگان منابر خود را به تماشا بنشینند. چه زیباست جوانان جویای کمال، کودکان کمال‌یافته در قفس دشمن را ببینند».

این سپهبد شهید در بخش دیگری از این نامه تصریح می‌کند:«به کرمانی بودنم افتخار می‌کنم، از داشتن گوهرهایی همچون «شهسواری» که فریاد «مرگ بر صدام ضد اسلام» را در چنگال دشمن سر داد و نشان داد به‌خوبی درس خود را از مکتب امام سجاد(ع) آموخته است و «امیر شاه‌پسندی» که بر گوشت‌های بر اثر شلاق فروریخته او اطو کشیدند و «احمد یوسف‌زاده»، «زادخوش»، «مستقیمی»، «حسنی» و ... که از اسارت عظمت آفریدند».

سوگ بم

سروده‌ای از یدالله آقاعباسی

نه، بَم نمی‌میرد

گروه فرهنگ‌وهنر - یدالله آقاعباسی اولین کسی بود که در پنجم دی‌ماه ۸۲، از فاجعه‌ی زلزله‌ی بم و در عین‌حال ایستادگی این سرزمین و فرهنگ، با سروده‌ی زیبایش خبر داد. استاد آقاعباسی کارگران و بازیگر تئاتر، مترجم و شاعر با سرودن این شعری اعلام کرد: «نه، بم نمی‌میرد». یاد همه‌ی جان‌باختگان زلزله‌ی بم گرامی باد. این شعر را در ادامه بخوانید:

ستبر، بر سینهٔ تاریخ ایستاده بود
به استواری مردمانش
در مرکز هزاره‌های گم شده
و عاشق بود،
چنان که جهان را به خود می‌خواند، بَم.

از آراتا تا افسانه
از شهر دقیانوس تا لوت
از سرزمین‌های سوخته تا دریابارهای دور
تا چین، تا هند، ...
خویشاوند همه‌ی جهان بود، بَم.

در هیچ تلاطمی سر خم نکرد بَم
و مرگ با ارگ بیگانه بود.

شیرین بود بَم
به حلاوت نخلستان‌هایش
شکوهمند بود بَم
به شکوه بیابان‌هایش
و خوش می‌خواند بَم
به خوش‌خوانی مرغان سحرخوانش.

عظمت آشکار رستم دستان بود بَم.
خرد پیرانه سر زال
عشق بی‌ریای رودابه بود، بَم.
پاك بود بَم.
به پاکی خونی که در آوارها گم شد
و ایستاده بود بَم،
به ایستادگی اراده‌ای که به کوه‌ها پیوست.

نه، بَم نمی‌میرد
گرچه دریغا خواهرانم مردند
و برادرانم را آوار برد.
بَم نمی‌میرد.
تا مرغانش در نخلستان‌ها می‌خوانند
و شکوفه‌های نارنجش به نسیم می‌آمیزند
و عشق در چشم بازماندگانش سوسو می‌زند
بَم نمی‌میرد.

۸۲/۱۰/۵

خبر

معاون شهردار کرمان:

آرامستان جدید ۱۵ روز دیگر آماده می‌شود

گروه جامعه - معاون خدمات‌شهری شهردار کرمان با اشاره به اقدامات انجام شده برای آماده‌سازی آرامستان جدید شهر کرمان از اسفالت مسیر دسترسی به این مکان و تامین برق آرامستان از طریق ژنراتور خبر داد و گفت که آرامستان جدید در حال تکمیل است و ظرف ۱۵ روز آینده می‌توان نسبت به دفن اموات در این مکان اقدام کرد. به گفته‌ی وی، شرکت آب و فاضلاب در تأمین آب شهری برای آرامستان جدید مشکل دارد و قرار است به‌طور موقت، آب تانکری را که شهرداری در آرامستان مستقر کرده، تأمین کند. به گزارش کرمان‌آنلاین، رامین امیرمداح، چهارم دی‌ماه در جلسه‌ی پیگیری پروژه‌های عمرانی شهر کرمان، درخصوص اقدامات انجام‌شده در آرامستان جدید، بیان کرد: «اسفالت مسیر دسترسی به آرامستان رو به پایان است؛ درخصوص تأمین آب و برق آرامستان از طریق ژنراتور نیز پیگیری شده و در حال حاضر مشکلی در این زمینه نداریم». وی افزود: «تأمین انشعاب دائمی آب و برق آرامستان جدید نیز همزمان پیگیری می‌شود که در این رابطه بهترین راه، انتخاب پیمانکار برق از طریق مناقصه است و با نظر شهردار، مناقصه براساس تهاتر انجام خواهد شد». معاون خدمات‌شهری شهردار کرمان بیان کرد: «آرامستان جدید در حال تکمیل است و ظرف ۱۵ روز آینده می‌توان نسبت به دفن اموات در این مکان اقدام کرد». وی با اشاره به این‌که شرکت آب و فاضلاب در تأمین آب شهری برای آرامستان جدید مشکل دارد، افزود: «قرار است شرکت آب و فاضلاب به‌طور موقت آب تانکری را که ما در آرامستان مستقر کرده‌ایم، تأمین کند و برای فضای سبز آرامستان جدید هم با همکاری آب و فاضلاب مجوز چاه بگیریم».

با هدف رونق بخشیدن به کسب‌وکارهای محلی صورت گرفت؛

مستندسازی زنجیرهٔ گردشگری هوشمند در سیرجان

گروه اطلاع‌رسانی - در راستای عمل به مسئولیت‌های اجتماعی، به‌همت روابط‌عمومی و امور بین‌الملل شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر و با همکاری دبیرخانه شهر جهانی گلیم و مرکز سیرجان‌شناسی، برای اولین‌بار در شهرستان سیرجان، طرح «زنجیرهٔ گردشگری هوشمند» توسط یکی از شرکت‌های تخصصی و شتاب‌دهنده در حوزه‌ی گردشگری، صنایع‌دستی و میراث‌فرهنگی، به اجرا در آمد. به گزارش فردای کرمان به نقل از روابط‌عمومی و امور بین‌الملل شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر، در راستای جهانی‌شدن سیرجان در حوزه‌ی «صنایع‌دستی» در سال‌های اخیر، و لزوم توجه به مواردی همچون؛ معرفی و تبلیغ جاذبه‌های گردشگری سیرجان و رونق‌بخشیدن به کسب‌وکارهای بومی، همه‌ی نقاط دیدنی و تاریخی، خانه‌های بوم‌گردی، کارگاه‌های صنایع‌دستی، موسیقی محلی و فرهنگ‌بومی شهرستان سیرجان، ظرف سه هفته مستندسازی شد. برپایه‌ی این خبر، قرار است این تولیدات مستند در شبکه‌های معتبر بین‌المللی و سایت‌های مرجع گردشگری دنیا، ثبت و پخش شود تا در آینده‌ای نزدیک کلیه‌ی خدمات حوزه‌ی گردشگری، میراث‌فرهنگی و صنایع‌دستی سیرجان بر بستر آنلاین قرار گرفته، و زنجیرهی گردشگری هوشمند در شهر جهانی گلیم، شکل بگیرد. همچنین بخشی از این برنامه در دو فاز پژوهشی و آموزشی، برگزار شد، تا با انجام آموزش و مصاحبه‌ی تخصصی با صاحبان کسب‌وکارهای بومی، این فعالیت‌ها آسیب‌شناسی شده، و بستری برای فعال کردن استارت‌آپ‌های موجود در این حوزه شکل گرفته تا با حذف واسطه‌ها، جامعه‌ی محلی، به‌صورت مستقیم به بازار متصل شود.

جهانشاهی، معاون شهردار در گفت‌وگو با فردای کرمان:

«شهر کتاب» بازار کتاب کرمان را بزرگ‌تر می کند

اسما پورزنگی‌آبادی

حدود دو سالی می‌شود که شهرداری وعده‌ی حمایت از راه‌اندازی نخستین شعبه‌ی «شهر کتاب» در کرمان را داده این اتفاق اما هنوز رخ نداده است. فعلا، اختلاف بر سر مکان استقرار این مجموعه است. پیشنهاد شهرداری، راه‌اندازی شهر کتاب در مجاورت یخدان مویدی است؛ محلی که پیش از این به‌عنوان کاوشکده علوم مورد استفاده بود و مدتی هم، واحد اجتماعی معاونت فرهنگی شهرداری در آن مستقر بود. شورای شهر اما می‌گوید بهتر است این مکان، همچنان کاربری علمی داشته و در اختیار دانش‌آموزان باشد.

مذاکرات شورا و شهرداری ادامه دارد و محمد جهانشاهی، معاون شهردار و رئیس سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری امیدوار است تا پایان این دوره از شورا و شهرداری، این مرکز فرهنگی در کرمان فعال شود.

جهانشاهی می‌گوید که حضور شهرکتاب، باعث بزرگ شدن بازار کتاب در کرمان شده و بر فضای فرهنگی شهر تاثیر مثبت خواهد داشت.

گفت‌وگو با او را در ادامه می‌خوانید.

آقای جهانشاهی، از زمانی که شما به معاونت فرهنگی شهرداری آمده‌اید، وعده‌ی راه‌اندازی شعبه‌ای از کتاب‌فروشی شهر کتاب در شهر کرمان را داده‌اید ولی هنوز اتفاقی نیفتاده است. ماجرا چیست؟

همان‌طور که همگان اطلاع دارند، شهر کتاب در حال حاضر، جزو معتبرترین فروشگاه‌ها و نسل جدید مکان‌هایی است که در حوزه‌ی کتاب و تولید اندیشه در کشور فعالیت می‌کند و بیش از ربع قرن سابقه دارد و نزدیک به ۷۰ فروشگاه از آن، در سراسر کشور، در کنار عرضه‌ی کتاب و اجرای رویدادهای کتاب‌محور؛ نوشت‌افزار، صنایع‌دستی و ملزومات متنوع دیگری را نیز به شهروندان ارائه می‌کند که حدود ۴۰ شعبه‌ی آن در تهران است. شعب شهرکتاب، فقط هم فروش کتاب را ندارند، بلکه بسته‌ی کامل و متنوعی از رویدادهای فرهنگی و مطابق با ذائقه‌ی مخاطب را ارائه می‌کنند و شاید بتوان گفت که مهم‌ترین فضای فرهنگی کشور است که با کمک مردم و بخش خصوصی، شبکه‌ی بزرگی در کشور ایجاد کرده است. به‌دلیل جایگاه و توانایی که این مجموعه دارد، شهرداری کرمان هم تلاش کرده تا بتواند یک شعبه از آن را در شهر کرمان راه‌اندازی کند. حدود دو سال است که پیگیر این موضوع هستیم. جلساتی با هیات مدیره محترم شهرکتاب داشتیم و آقای فروزان مدیرعامل به همراه چند تن از همکاران‌شان، به کرمان آمدند و فضایی را که ما برای شهرکتاب پیشنهاد کرده بودیم، از نزدیک بازدید و تایید کردند و درباره‌ی آن به توافق رسیدیم. این موضوع در شورای شهر و به‌ویژه در کمیسیون فرهنگی شورا در حال بررسی است. قصد داریم در کرمان، براساس مدلی که شهرداری تهران داشته که هم مسائل حقوقی و هم مالکیتی و مشارکتی در آن به‌خوبی دیده شده است؛ اقدام کنیم. تفاهم‌نامه‌ای آماده شده که در حال بررسی است و امیدواریم قبل از پایان سال جاری، بتوانیم کرمان را به این شبکه‌ی بزرگ و موثر فرهنگی متصل کنیم. شهر کتاب یکی از زیباترین تجربیات کشور در حوزه‌ی کتاب است که با حضور در کرمان، علاوه بر اینکه شاخص‌های فرهنگی شهر افزایش می‌یابد، بخشی از سرمایه‌ی مادی و معنوی این برند هم به کرمان می‌آید. قرار است شهر کتاب، بیش از دو میلیارد تومان در کرمان سرمایه‌گذاری کند و حدود ۱۵، ۱۶ نفر نیز با راه‌اندازی این فروشگاه مشغول به‌کار خواهند شد. شهر کتاب برنامه‌های فرهنگی خوبی مثل رونمایی و نقد کتاب و کارگاه‌های آموزشی نیز دارد، در حوزه‌ی نشر فعال است و شبکه‌ی توزیع گسترده‌ای هم دارد. مجموع این شرایط می‌تواند فرصت بسیار مناسبی برای کرمان و به‌ویژه نویسندگان و اهالی فرهنگ کرمان باشد و امیدوارم هرچه زودتر این اتفاق بیفتد.

مکانی که در نظر گرفته شده کجاست؟

بنایی در سایت فرهنگی‌تاریخی پارک ریاضیات وجود دارد که در گذشته، به‌عنوان پژوهشکده نجوم مورد استفاده بود و بعد از آن هم، حوزه‌ی اجتماعی شهرداری در آن مستقر شد که با بهره‌برداری از ساختمان اصلی شهرداری، این حوزه به آنجا منتقل شد و این بنا بلااستفاده ماند. به نظر ما، اینجا و در مجاورت کتابخانه‌ی ملی، بهترین مکان برای راه‌اندازی شهر کتاب است و می‌توان با این اقدام، کل آن فضا را به یکی از بهترین سایت‌های فرهنگی شهر تبدیل کرد. البته یک بحث وجود دارد که این بنا، همچنان کاربری علمی داشته و در اختیار دانش‌آموزان باشد. اما از آنجا که این مجموعه، فرهنگی است، خانه تاریخی اشیدری هم در نزدیکی آن قرار است به خانه صنایع‌دستی تبدیل شود؛ به نظر می‌رسد این نقطه از شهر، برای راه‌اندازی شهرکتاب، منطقی و دارای وجاهت و قابل دفاع باشد.

اشاره کردید که شهرکتاب ۷۰ شعبه دارد. در دیگر شهرها هم شهرداری در راه‌اندازی آن مشارکت کرده است؟

خیر. در برخی شهرها بخش خصوصی این کار را انجام داده است. در کرمان اما شاید بهتر همین باشد در گام اول، شهرداری با توان و امکاناتی که دارد، پیش‌قدم شود تا این اتفاق خوب رخ بدهد.

راه‌اندازی شهر کتاب در کرمان حتما یک اتفاق خوب است اما آیا درباره‌ی تاثیرات آن بر مشاغل فعلی حوزه‌ی کتاب و کتاب‌فروشی‌ها هم بررسی انجام داده‌اید؟ طی سالیان اخیر، شاهد تعطیلی و یا رکود در کتاب‌فروشی‌ها بوده‌ایم. شهرکتاب این وضعیت را تشدید نمی‌کند؟

شاید در نگاه اول، این نگرانی ایجاد شود که حضور شهرکتاب در کرمان، سایر مشاغل را تحت‌تاثیر قرار دهد اما این اتفاق، می‌تواند بازار کتاب و کتاب‌خوانی کرمان را بزرگ‌تر کند و فرصتی خواهد بود برای کسانی که در حوزه‌ی کتاب و کتاب‌فروشی فعالیت دارند. به هر حال، ما باید بپذیریم که شیوه‌ی بسیاری از کسب‌وکارها نسبت به گذشته متفاوت و به‌روز شده است. در دوران جدید، کتاب‌فروشی به روش سنتی، کار بسیار سختی است و همه‌ی ما شاهد بوده‌ایم که طی چند سال اخیر، تعدادی از کتاب‌فروشی‌ها در کرمان تعطیل شد، از طرفی، تعدادی کتاب‌فروشی با شیوه‌ی جدید نیز راه‌اندازی شد.

وجود شهرکتاب، باعث ارتقای کتاب‌فروشی در کرمان خواهد شد و عرض کردم؛ این مجموعه فقط در زمینه‌ی عرضه‌ی کتاب فعالیت نمی‌کند و رویدادهای فرهنگی متعددی را اجرا می‌کند. وقتی چنین مجموعه‌ی قدرتمندی فعالیت‌های خود را در شهر گسترش بدهد، ارتباط بخش فرهیخته و فرهنگی جامعه با فضاهای مرتبط برقرار می‌ماند و همین، بر پویایی بیش‌تر فضای فرهنگی شهر تاثیر مثبت می‌گذارد. موفقیت نسل جدید کتاب‌فروشی‌ها، واقعیتی است که نباید آن را نادیده بگیریم. بازار کتاب ما نیاز به چنین حرکت‌هایی دارد و این شغل، باید خود را رونق دهد؛ چه شهرداری کرمان این کار را انجام بدهد چه ندهد، شان مردم کرمان می‌طلبد که نسل جدید کتاب‌فروشی‌ها را هم تجربه کنند. مسیر سختی هم در پیش‌رو است و ما نمی‌خواهیم همه‌ی بار جریان‌سازی فرهنگی روی دوش کتاب‌فروشی‌های کرمان باشد و بهتر دیدیم برندی که امتحان خود را نیز در کشور پس داده، به کرمان بیاید و چه بهتر، دستی که تواناتر است، برای این جریان‌سازی در شهر کمک کند. در مجموع، باور ما این است کسانی که بخواهند کسب‌وکار پویاتری داشته باشند، از حضور شهرکتاب تاثیر مثبت خواهند گرفت.

در جریان تفاهم‌نامه با شهر کتاب، آورده‌ی شهرداری کرمان چیست؟

ما فقط مکان راه‌اندازی فروشگاه را تامین می‌کنیم. کار، مشابه تجربه‌ای است که در جریان بناهای ماندگار وجود دارد که فضاهایی را شهرداری برای کارهای عام‌المنفعه در اختیار متقاضیان قرار می‌دهد و بعد از اتمام دوره‌ی مشارکت، آن فضا به شهر و شهروندان برمی‌گردد و مالکیتی به‌دنبال ندارد.

بیش از دو سال است که وعده‌ی راه‌اندازی شهرکتاب از طرف شهرداری داده شده و هنوز اتفاقی نیفتاده؛ چه مشکلاتی بر سر راه وجود دارد؟

بررسی‌های زیادی از ابعاد مختلف برای راه‌اندازی شهرکتاب انجام دادیم. شورای محترم شهر هم در این زمینه حساسیت داشت و همه می‌خواستیم تصمیمی گرفته شود که به نفع و به مصلحت شهر باشد. زمان زیادی بر سر این گفت‌وگوها و بررسی‌ها گذشت.

بخشی از این طولانی شدن هم، به اختلاف‌نظراتی برمی‌گردد که درباره‌ی مکان شهرکتاب وجود دارد. برخی از اعضای شورا معتقدند فضای جایگزین برای شهر کتاب معرفی کنیم و این فضا در مجاورت یخدان مویدی، به کارکرد اولیه‌اش برگردد. ما اما پیشنهادمان این است که فعالیت‌های علمی دانش‌آموزان در یکی از فرهنگسراها یا خانه‌های فرهنگ صورت گیرد.

چه‌قدر امیدوار هستید که تا پایان امسال، شهرکتاب به کرمان بیاید؟

فضای مدنظر ما که آماده است و فقط نیاز به طراحی داخلی دارد. اگر اراده‌ای باشد، نهایت تا پایان این دوره از شورا و شهرداری، می‌توانیم شاهد طراحی، تجهیز و افتتاح شهرکتاب در کرمان باشیم.